

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## خبر ندارد

بخدا قسم که جانا ، دل تو خیر ندارد  
ز فراق روی ماهت ، شب ما سحر ندارد  
به بریشم و به پنبه ، سر ما بُریده رفتی  
دل سنگت ای عزیزم ، خیر از تبر ندارد  
دل بیدلان شکستی ، به کرشمه و به نازی  
که تفاوتی برایت ، نم و خشک و تر ندارد  
بخدا کباب گشته ، جگرم به سیخ هجرت  
به زغال ارچه هرگز ، پُف ما اثر ندارد  
به زمین دل نشاندم ، شجر محبت تو  
چه کنم نهال عشقت ، بخدا ثمر ندارد  
شده نخل آرزویم ، به امید وصل ، پیوند  
دگر انتظار رنگ و ، گل و بو و بر ندارد  
اگر از هُبوط یاری ، خبری نمی شنودم  
ز چه ساکنی به مهبط ، که به ما ضرر ندارد  
به هوای ما پریدی ، به دیار غیر رفتی  
به دلت محبت ما ، کشش دگر ندارد

هوسی اگر نداری ، به مقام و جاه و عزت  
ز چه دستِ شورِ عاشق ، عسل و شکر ندارد  
به خدا که الفتِ تو ، به پی و رگم سرشته  
دلِ کینه تُوزت ای جان ، غمِ خیر و شر ندارد  
دگر این بجا نباشد که (به دل رهیست ، دل را)  
(دلِ ما ز غصه خون شد ، دلِ تو خیر ندارد)  
گله ، شکوه و شکایت ، همه مالِ من ، نه از تو  
که پدر ز مهر و الفت ، گله از پسر ندارد  
تو اسیرِ تاج و تختی ، منم آن گدایِ ( نعمت )  
که به سویِ هر فقیری ، شهِ ما نظر ندارد

( 4 اکتوبر 2002 )